

## بیطرفی

## در جنگ بین دو یا چند کشور

## ۲. وظایف و اختیارات کشورهای بیطرف

همینکه کشوری در جنگ بیطرفی اختیار کرد از نظر حقوق بین الملل وظایف و حقوق و اختیاراتی برای وی ایجاد میگردد که در رعایت و اعمال آن باید کمال دقت و مواظبت بعمل آید.

وظایف اصلی هر کشور بیطرف بطور کلی در اطراف دو الزام دور میزند :

۱- شرکت نکردن در جنگ چه بطور مستقیم و چه غیر مستقیم.

ب- رعایت بیطرفی کامل در باره هر دو طرف -

وظیفه مزبور در پنجمین کنوانسیون (۱) لاهه ماده ۹ صریحاً قید شده بدین شرح : که هر تصمیمات تضییق آیز و یا هر گونه تبعیض که از طرف کشور بیطرف بر یکی از متخاصمین تحمیل شود . . . . باید عیناً و بدون هیچ تفاوت در باره سایر کشور های متخاصم نیز اجرا شود

نکته قابل توجه در این بحث اینستکه بدانیم وظایف بیطرفی و تعهد با اجرای آن به عهد کیت - بعبارت دیگر آیا افراد کشور نیز مکلف بر رعایت اصل مزبور هستند یا برخلاف وظیفه انحصاری دولت است .

تشخیص موضوع فوق از آن جهت مهم است که هرگونه سوء تعبیر و بهانه را برای دول متخاصم مسدود و حدود اختیارات و مسئولیت های دولت بی طرف را تشریح میکند .

(۱) پنجمین کنوانسیون لاهه که در سال ۱۹۰۷ تشکیل گردید نه تنها حقوق و وظایف کشور ها بلکه اشخاص بی طرف را [ در جنگ های زمینی ] تعیین نموده که در موقع خود خواهیم دید .

بموجب اصول مسلمه در حقوق بین الملل اعلام بیطرفی و رعایت وظایف و مقررات آن منحصر بدولت و اعمال مربوطه و مسئوله در مقابل دولت بوده بهیچوجه سرائتی با افراد ندارد - حتی این مسئله مورد اتفاق است که منع فروش اسلحه بدول متخاصم انحصاراً مربوط بدولت بوده و افراد کشور بیطرف کاملاً در رعایت یا عدم رعایت این اصل ارتباطی با دولت خود ندارند و بعبارت دیگر در انجام امور بازرگانی و لواسلحه آزادانه فقط دول متخاصم میتوانند در صورت دسترسی با اسلحه مزبور آنرا توقیف و بنام قاچاق جنگی بنفع خود ضبط کنند .

بدیهی است کشورهای بیطرف حتی المقدور افراد را خصوصاً بازرگانان خود را عواقب وخیم امر و امکان خسارات شدید مستحضر ساخته و اگر قدرت نیروی خود را کافی برای حفظ منافع بازرگانی و حتی استقلال خویش ندیده استفاده از این حق مشروع را مضر بحال بیطرفی تشخیص دهند افراد کشور خود را از اعمال آن منصرف میسازند ولی این اقدام کلی جنبه خصوصی داشته و از نظر حقوق بین الملل نمیتواند حقوق اتباع يك کشور را تضییق نماید .

بطور کلی میتوان وظایف و الزامات هر کشور بیطرف را بدو دسته تقسیم کرد :

الف - اقدامات ممنوعه و عملیات لازم .

ب- عواقب و نتایجی که از انجام نکردن وظایف بیطرفی

حاصل میشود .

الف - اقدامات ممنوع و لازم

مهمترین اقداماتی را که يك کشور بیطرف باید اذیت و تسل بدان خودداری کند بشرح زیر است :

۱- جمع آوری و فرستادن نیرو به کمک یکی از طرفین  
این مسئله پر واضح است که جمع آوری افراد نظامی و فرستادن آنها بکمک هر يك از متخاصمین بمنزله اقدام بر علیه کشور دیگر است - حتی اجازه به مال متخاصمین در جمع آوری افراد نظامی بطور داوطلب نیز در حکم نقض بیطرفی است .

ماده ۴ کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ ایند- موضوع را بطور صریح توضیح داده و مخصوصاً متذکر گردیده که رعایت بیطرفی بهیچ کشوری اجازه نمیدهد بانجام چنین اموری در داخله خود رضایت دهد بهوجب کنوانسین مزبور اجازه جمع آوری افراد داوطلب بهر دو طرف متخاصم نیز ممنوع رحتمی در این مسئله بحث است که آیا تائین کشور بیطرف میتواند خود را بینگاہ مربوط بجمع آوری نیرو معرفی یا بعنوان داوطلب جهت خدمت در ارتش دو طرف متخاصم درخواست گذرنامه کند؟

بعضی از دانشمندان حقوق بین الملل عقیده بر جواز آن داشته و معتقدند دولت وقتی بهر دو طرف متساویاً اجازه چنین اقدامی داد و یا اتباع خود گذرنامه بقصد شرکت در نیروی هر کدام از متخاصمین تسلیم کرد در حکم آنست که با هر دو بیک چشم نگاه کرده و رعایت مساوات و بالتبعیجه اصول بیطرفی بعمل آمده هیچیک از آنها چنین رفتار عادلانه را نمیتوانند انتقاد نمایند چه این حق درباره هر دو بالنسبه شناخته شده با اینحال اقدام مزبور - بمقیده دسته دیگر - مخالف با اصل بیطرفی است چه در داخله کشور بیطرف عقاید و احساسات و افکار عمومی نسبت بهر دو طرف متخاصم یکسان نیست بلکه در تحت تأثیر عوامل اخلاقی - سیاسی و اجتماعی بالطبع تمایلات مردم نسبت بیکی از طرفین جنگجو بیشتر از دیگری بوده و ممکن است بر هر همین تمایل بیشتر اکثریت داوطلبان بکمک کشور مزبور بروند در اینصورت کفه تعادل برفع وی یائین آمده و این خود بمنزله کمک بیشتری بآن کشور گردد .

هر چند موافقین رفع این اشکال را بوسیله مداخله و نظارت دولت در جلوگیری از افزایش داوطلبان برفع یکی از متخاصمین و ضرر دیگری امکان پذیر دانسته بعلاوه معتقدند اختلاف تمایلات در مردم همیشه موجود نیست و گاه ممکن

است عقاید و احساسات عمومی نسبت بهر دو طرف یکسان باشد - لیکن اولاً حالت اخیر خیلی کم بافت میشود ثانیاً یکی از شرایط اصلی در مراعات بیطرفی عدم مداخله دولت است در هر گونه اقدام که بشیروی جنگی متخاصمین کمک کند - از طرف دیگر بیطرفی مطلق دولت را آزاد گذاردن مردم در پشتیبانی از متخاصمین خود موجب آنستکه من غیر مستقیم دولت وسایل کمک بیکی را بیشتر از دیگری فراهم کند - و این خود موجب ایجاد سوء ظن برای طرف دیگر و بالااقل بهانه اوبمداخله و انجام مقاصد لشکری و سیاسی خویش بدینوسیله خواهد گردید .

اینستکه کشور بیطرف باید همواره با اخذ تدابیر لازم از وضع قوانین و نظامات و گرفتن تصمیمات احتیاطی و تعیین مجازات برای متخلفین و خود داری از دادن گذرنامه با افراد کشور خود بقصد ورود در خاک متخاصمین و غیره از اینکار جلوگیری نماید تا در نتیجه موجبات سوء ظن طرفین را نسبت بخود با بهانه جوئی آنها در متخاصم شمردن آن دولت فراهم نگردد .

در عین حال این نکته را نباید از نظر دور داشت که وظیفه دولت در حفظ بیطرفی در اینقسمت فقط در اطراف همین اصل دور میزند - بعبارت دیگر دولت باید فقط از اجازه با افراد یا هر گونه اقدام آنها در کمک مستقیم بیکی از طرفین خودداری کند .

بنا بر این هرگاه اشخاص بدون انشاء قصد خویش و بعنوان مشروع و مجاز قصد سفر بیکی از دو کشور جنگجو کرده و در آنجا مقصود واقعی خویش را بموقع عمل گذارند کشور بیطرف دارای هیچ مسئولیتی نیست .

ماده ۶ کنوانسین لاهه نیز صریحاً بدین نکته توجه نموده و عبور فردی از سرحد یا اجازه دولت بی طرف با اشخاص را در ورود بیکی از کشورهای متخاصم موجب نقض بیطرفی نمیداند .

دکتر اخوی

نا تمام